

## ردیف الف - باب پانزدهم: انقطاع

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۵، صفحه ۴۰-۴۳

### ردیف الف - باب پانزدهم: انقطاع

در سفرنامه جلد اول مسطور است:

"فرمودند اگر تقرب الهی خواهید از جمیع اشیاء منقطع شوید و از آرایش دنیای فانی پاک و مقدّس گردید در بحر محبت الله مستغرق باشید و بذکر و ثنای او اوقات را حصر نمائید بهاءالله وحده باید محبوب عالم باشد ملاحظه نمائید تا حواریان حضرت مسیح از خود فانی نشدند عالم را زنده نکردند پس باید دائم بذکر الهی مشغول باشید و در صدد نشر تعالیم حضرت بهاءالله برآئید" انتهى  
(ص ۳۲۰)

و نیز در ص ۲۷۰ مسطور است:

"بدیگری فرمودند انسان باید از قفس تن پرواز نماید روح محض شود زیرا جسم قفسی است که انسان را بمشکلات عظیمه اندازد اسیر طبیعت کند و بهر دردی مبتلا نماید اما چون انسان عادات جسمانی را خرق نماید از هر قیدی آزاد شود چه که قوای جسمانیّه جاذب عالم طبیعت است لهذا باید قوه روحانی این زنجیر را بگسلد بجزرد فکر این مقام حاصل نشود قوای طبیعیّه همیشه انسان را جذب میکند چشم منجذب مناظر خوش ثماست گوش منجذب نغمات است و قلب متوجه بلذائذ و شهوات. انسان ثروت دارد باز هم میخوهد زیرا منجذب عالم طبیعت است اسباب معیشت دارد باز هم میطلبد پس باید قوه روحانی غالب گردد تا از این قیود آزاد شود و نجات یابد مثل مرغی که در قفس است محض دانستن اینکه در خارج هوای لطیف و فضای رحیب است باغهای با صفا و چمن و چشمه‌های گواراست نجات نیابد مگر قوه‌ای یابد که قفس را بشکند و در فضای جانفزا پرواز نماید" انتهى

و نیز در سفرنامه جلد اول مسطور است:

"فرمودند .... اول باید وجود انسان خود منقطع و منجذب باشد تا نفسش در دیگران تأثیر نماید هر کس در این میدان قدم گذاشت موفق شد ابواب عرفان بر وجهش مفتوح گردید چشمش بینا گشت و بنفثات روح القدس مؤید شد هم



ORIGINAL

خود هدایت گردید هم سبب هدایت دیگران شد البته وقتی انسان نغمه خوش میخواند اول خود متلذذ و محظوظ میشود لذا چون بنای هدایت ناس نهد و بیان دلایل کند مذاقش شیرین تر و قلبش مسرورتر شود و دیگر آنکه هر چیزی محدود است مگر فیض الهی که بسبب تبلیغ امر الله بر انسان نازل میشود و الهامات ربّانیه تأیید مینماید اینست که حضرت مسیح فرمود وقتیکه میخواهید صحبت بدارید فکر نکنید روح القدس شما را الهام میکند اگر عزّت ابدی و حیات سرمدی و علویّت آسمانی خواهید تبلیغ کنید تأییدات الهیه بشما میرسد چرا که تجربه شده است اما ثبات و استقامت میخواهد ملاحظه حواریان مسیح نمائید که بچه ثبوت قیام نمودند تا امر را از پیش بردند حتی جان خود را فدا نمودند. انتهی (ص ۳۲۸)

و نیز در ص ۲۷۱ مسطور است:

(حکایتی در مقام انقطاع فرمودند) " که احبّای ایران اکثر اوقات پیاده سفر مینمودند هر جا خسته میشدند میخواستند در سایه هر درختی که میخواستند راحت میکردند یکی وقتی وارد امیری شد شخص امیر خواست هدیه ای باو بدهد باصرار یک پیرهن را باو داد بعد از آن چون در صحرا خسته شد پای درختی پیرهن را زیر سر گذاشته خوابید از وسوسه خیال خواب نرفت و مکرر دید که دزدی در خیال بردن پیرهن است آخر الامر برخاست پیرهن را دور انداخت و گفت تا این پیرهن و تعلق آن با من است من راحت نیستم پس راحت در ترک آنست.

چند خواهی پیرهن از بهر تن  
تن رها کن تا نخواهی پیرهن

انتهی"